

زدودن گرد غربت از چهره «گود سلوک»



نمایی از محدوده اراضی مصلی که در گذشته به «گودسلوک» معروف بوده است/ دهه ۵۰ قن ۱۴ خورشیدی



مصلای مشهد و اطراف آن در دهه ۵۰ قن ۱۴ خورشیدی



نمایی از مصلی در دوره قاجار



نمایی از یوستان مصلی در زمان احداث دهه ۶۰ قن ۱۴ خورشیدی

مرضیه ترابی] برای بچه‌های منطقه مصلای مشهد، نام «گودسلوک» یا «گوسلوک» آشناست؛ می‌دانند که روزی روزگاری بخش‌هایی از محله آباواجدادی‌شان را به این نام می‌خوانده‌اند. گودسلوک مزرعه‌ای بود مانند دیگر مزارع بزرگ اطراف مشهد که بخش عمده آن موقوفه آستان قدس رضوی محسوب می‌شد و در دوره قاجار، آن را با نام «خاتم‌آباد» هم می‌شناختند (سند شماره ۳۴۹۸۹/۱۴ مرکز اسناد آستان قدس رضوی). درباره معنای گودسلوک خیلی دقیق نمی‌توان صحبت کرد. اسناد موجود در این زمینه خیلی بقاعده و درخور اعتماد نیستند. می‌دانیم که این کلمه از دو واژه «گود» و «سلوک» تشکیل شده است که در برخی مواقع، با حذف دال واژه «گود» آن را به صورت «گوسلوک» هم تلفظ می‌کرده‌اند و می‌نوشته‌اند.

با این حال بعضی‌ها معتقدند که نام این مزرعه، اصلاً «گوسلوک» بوده و استفاده از کلمه گودسلوک بعدها باب شده است. اما واقعیت آن است که در اسناد قدیمی، مانند سند موقوفه «سعدالدین محمد وزیر» که در سال ۱۰۹۳ قمری و در دوره صفویه نوشته شده، این مزرعه را با همان نام «گودسلوک» ضبط کرده‌اند. استفاده از واژه «گود» در تاریخ مشهد متداول بوده است و معمولاً به مناطقی که ارتفاع پایین داشته‌اند و گودال مانند بوده‌اند اطلاق می‌شده است. نام برخی از گودهای مشهد قدیم هنوز هم در میان قدیمی‌های این شهر متداول است؛ مانند «گود خشت‌مال‌ها»، «گود اصغرکوره» و «گود جلال». واژه «سلوک» نیز در نام‌گذاری مناطق اطراف مشهد بی‌سابقه نبوده است و حتی این احتمال وجود دارد که تغییر شکل داده واژه «سلو» باشد که در نام مزارعی مانند «سلوگرد (از بلوک چناران)» یا آن رویه‌رو می‌شویم. اما این اطلاعات فعلاً نمی‌تواند مشکل ما را در کشف معنای گودسلوک رفع کند. در هر حال چه واژه گودسلوک را به رسمیت بشناسیم، چه کلمه گوسلوک را صحیح بدانیم، تفاوتی در تاریخ پربار و پرازسند این مزرعه بسیار قدیمی ندارد. امروز قصد داریم با نیم‌نگاهی به متون و اسناد تاریخی، هر چه را که می‌شود در قالب یک گزارش تاریخی برای گودسلوک نوشت، پیش روی شما خوانندگان ارجمند قرار دهیم و پرده از تاریخ یکی دیگر از محلات قدیمی مشهد برداریم.

این همه‌ها البته در ادوار بعد فروکش کرد و از یکان در سده‌های بعدی در کسوت بازرگان و تاجر از کنار گودسلوک می‌گذشتند و در کاروان‌سراها شرقی مشهد، مانند «سرای ازبک‌ها»، بیتوته می‌کردند. در تاریخ گودسلوک می‌توان حواشی خواندنی دیگری را هم یافت، مثلاً برخی معتقدند که گودسلوک در دوره نادرشاه، محل اقامت موقت یهودیان وارمنی‌هایی بود که توسط فرمانروای افشار و برای استفاده از ظرفیت تجاری و صنعتی آن‌ها، به مشهد کوچ داده شده بودند.

ظاهراً این دو گروه از اقلیت‌های مذهبی، بعد از سکونت موقت در گودسلوک به محله عیدگاه انتقال یافتند و در آنجا ساکن شدند. نکته جالب دیگری که باید درباره سرگذشت مزرعه گودسلوک بدانید، ارتباط آن با تأمین آب نخستین شیرخوارگاه تاریخ مشهد یا همان «دارالتربیه شاهپور» است. طبق اسناد موجود «محسن دولتی» که در سال ۱۳۲۷ خورشیدی ریاست دارالتربیه را برعهده داشت، در نامه‌ای به «محمود بکدر»، نایب‌التولیه وقت آستان قدس، از وی خواست اجازه حفر نهری را برای انتقال بخشی از آب قنات مزرعه گودسلوک به دارالتربیه صادر کند. او می‌خواست از این آب برای تأمین نیاز شرب و بهداشتی مرکز بهره‌برد که ظاهراً با موافقت آستان قدس، این کار عملی شد (سند شماره ۸۰۹۹۷ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

می‌شد. از قدیم‌الایام این مزرعه را بخشی از بلوک تبادکان می‌دانستند؛ باین حال نشانی از این مزرعه در «کتابچه تبادکان» که مزارع و روستاهای دوره ناصرالدین شاه را یاد کرد که به شرح تعمیرات قلعه گودسلوک و «روزنامه» لای‌روبی قنات مزرعه اختصاص دارد یا سندی که نشان می‌دهد در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، شخصی به نام «ملاعبد» مستأجر مزرعه بوده و بابت دخالت در امور کشاورزی گودسلوک از فردی به نام «حسین بندار» به آستان قدس شکایت کرده است (سند شماره ۹۹۵۴۵ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

حقیقه قنات مربوط می‌شد. به عنوان نمونه می‌توان از سند ۴۴۱۲۳ موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی یاد کرد که به شرح تعمیرات قلعه گودسلوک و «روزنامه» لای‌روبی قنات مزرعه اختصاص دارد یا سندی که نشان می‌دهد در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، شخصی به نام «ملاعبد» مستأجر مزرعه بوده و بابت دخالت در امور کشاورزی گودسلوک از فردی به نام «حسین بندار» به آستان قدس شکایت کرده است (سند شماره ۹۹۵۴۵ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

حقیقه قنات مربوط می‌شد. به عنوان نمونه می‌توان از سند ۴۴۱۲۳ موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی یاد کرد که به شرح تعمیرات قلعه گودسلوک و «روزنامه» لای‌روبی قنات مزرعه اختصاص دارد یا سندی که نشان می‌دهد در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، شخصی به نام «ملاعبد» مستأجر مزرعه بوده و بابت دخالت در امور کشاورزی گودسلوک از فردی به نام «حسین بندار» به آستان قدس شکایت کرده است (سند شماره ۹۹۵۴۵ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

حقیقه قنات مربوط می‌شد. به عنوان نمونه می‌توان از سند ۴۴۱۲۳ موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی یاد کرد که به شرح تعمیرات قلعه گودسلوک و «روزنامه» لای‌روبی قنات مزرعه اختصاص دارد یا سندی که نشان می‌دهد در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، شخصی به نام «ملاعبد» مستأجر مزرعه بوده و بابت دخالت در امور کشاورزی گودسلوک از فردی به نام «حسین بندار» به آستان قدس شکایت کرده است (سند شماره ۹۹۵۴۵ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

حقیقه قنات مربوط می‌شد. به عنوان نمونه می‌توان از سند ۴۴۱۲۳ موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی یاد کرد که به شرح تعمیرات قلعه گودسلوک و «روزنامه» لای‌روبی قنات مزرعه اختصاص دارد یا سندی که نشان می‌دهد در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، شخصی به نام «ملاعبد» مستأجر مزرعه بوده و بابت دخالت در امور کشاورزی گودسلوک از فردی به نام «حسین بندار» به آستان قدس شکایت کرده است (سند شماره ۹۹۵۴۵ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

حقیقه قنات مربوط می‌شد. به عنوان نمونه می‌توان از سند ۴۴۱۲۳ موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی یاد کرد که به شرح تعمیرات قلعه گودسلوک و «روزنامه» لای‌روبی قنات مزرعه اختصاص دارد یا سندی که نشان می‌دهد در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، شخصی به نام «ملاعبد» مستأجر مزرعه بوده و بابت دخالت در امور کشاورزی گودسلوک از فردی به نام «حسین بندار» به آستان قدس شکایت کرده است (سند شماره ۹۹۵۴۵ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

سندی که راقم این سطور در این باره پیدا کرده، سندی مربوط به سال ۱۲۵۲ قمری (دوره محمدشاه قاجار) است که در آن از «حاج کریم خان» و «حاجی محمد علی» به عنوان دو مستأجر مزرعه گودسلوک یاد شده است (سند شماره ۴۲۷۳۴ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

این اراضی در غوغای شورش حسن خان سالار و طی سال ۱۲۵۹ قمری، به «کرلایی زین‌العابدین» اجاره داده شد (سند شماره ۱۲۵۶۳ مرکز اسناد آستان قدس رضوی). در سال ۱۲۶۱ قمری، کرلایی زین‌العابدین را از سمت مستأجری مزرعه گودسلوک کنار گذاشتند و «کرلایی محمد علی بن محمد رحیم»، دربان باشی کشیک دوم، جای او را گرفت (سند شماره ۴۲۸۲۷ مرکز اسناد آستان قدس رضوی). اسماعیل همدانی در کتاب «آثارالروضیه» (یکی از منابع بسیار مهم در بررسی تاریخ موقوفات آستان قدس رضوی) از مزرعه گودسلوک با عنوان «اراضی خیابان و گوسلوک» یاد می‌کند و آن را به عنوان موقوفه‌ای مهم می‌شناسد که از دوره نادرشاه فعال بوده است.

البته می‌دانیم که نوشته اسماعیل همدانی براساس ظن و گمان است و گودسلوک قدمتی بسیار بیشتر از عهد نادرشاه دارد. اسناد دوره‌های بعد، بیشتر مربوط به فعالیت‌های مزرعه، نیازها و احیاناً درگیری‌هایی بود که گاه به‌گاه اتفاق می‌افتاد و عموماً به مسئله حدود اراضی

پیشینه یک موقوفه نام‌آشنا

احتمالاً قدیمی‌ترین سندی که می‌توان در آن نشانه‌ای از تاریخچه گودسلوک یافت، کتاب «شهاب‌الدین عبدالخانی» مشهور به «حافظ‌ابره» باشد که در سال ۸۱۷ قمری به رشته تحریر درآمده است. طبق گزارش او «مزرعه سلوک و چاه‌نو» یکی از مزارع متعدد متعلق به مشهد است. نزدیکی مزرعه به مشهد باعث شهرت بیشتر آن می‌شد و البته توجه واقفان را به خود، برای خرید و وقف اراضی آن جلب می‌کرد. احتمالاً سعدالدین وزیر و وزیر خراسان در دوره شاه سلیمان صفوی که به نام او اشاره کردیم، به همین دلیل قسمتی از اراضی گودسلوک را برای وقف انتخاب کرده بود. او در سال ۹۳۲ قمری، ۹ قطعه باغ و عمارت‌های آن‌ها را وقف «اجرت ساعت‌ساز» در حرم رضوی کرد. استفاده از ساعت‌های جدید در حرم مطهر، از دوره صفویه باب شد و احتمالاً موقوفه سعدالدین وزیر، نخستین موقوفه‌ای بوده که به این موضوع اختصاص پیدا کرده است. احتشام کاویانیان در «شمس‌الشموس»، بخشی از اراضی گودسلوک را وقف روشنایی و مواجب خدام و فراشان حرم مطهر نیز دانسته و این را بر مواجب ساعت‌ساز علاوه کرده است. به دلیل موقوف بودن گودسلوک آن را به اجاره واگذار می‌کردند و چون وسعت اراضی و مرغوبیت آن بالا بود، معمولاً پای چند مستأجر به میان می‌آمد. قدیمی‌ترین

نویسنده نخستین کتاب تاریخ مشهد، روبه‌روی ناصرالدین‌شاه



نمای بارگاه علی‌اصغر شاهنشاهی و حاکمان آن در دوره قاجار و پهلوی. در این تصویر، نویسنده کتاب «تاریخ مشهد» و همسرش، در کنار سایر افراد حاضر در بارگاه شاهنشاهی دیده می‌شوند.

آن گونه که حتی در وصیت‌نامه‌اش خواسته بود بعد از مرگ همه اموالش در اختیار ناصرالدین‌شاه بگذرد و شاه قاجار درباره آن‌ها تصمیم‌گیری کند. احتمالاً اعتماد السلطنه با توجه به اینکه از ناصرالدین‌شاه بسیار کوچک‌تر بود، باور نمی‌کرد که قبل از او گرفتار ملک‌الموت شود، با این حال این اتفاق افتاد و محمدحسن خان یک ماه قبل از ترور ناصرالدین‌شاه به دست میرزا رضا کرمانی، در ۵۳ سالگی و بر اثر سکنه درگذشت. همسرش، اشرف السلطنه، پیکر محمدحسن خان را به نجف انتقال داد و در قبرستان وادی السلام دفن کرد. صنیع‌الدوله با روس‌ها ارتباطات خوبی داشت و برخی‌ها او را واسطه سفارت روسیه تزاری با دربار می‌دانستند. با توجه به نقش روسیه در تعیین شاهان قاجار - طبق ماده مربوط به حمایت از جانشینی فرزندان عباس میرزا در متن عهدنامه ترکمانچای - اعتماد السلطنه نفوذ روس‌ها را در ایران بیشتر می‌دانست و با عنایت به روحیه محافظه‌کاری که داشت، جانب‌داری از آن‌ها را برای حفظ موقعیت خود لازم‌فرض می‌کرد.

با وجود آنچه گفتیم، محمدحسن خان اعتماد السلطنه در علم جغرافیا، یگانه روزگار خود بود و عضویت انجمن آسیایی لندن و نیز انجمن سلطنتی روسیه را در این رشته داشت. آثار متعدد وی در این رشته و البته رشته تاریخ، نشان از علاقه و اهتمام جدی وی برای استفاده از شیوه‌های نوین تحقیق و نگارش در این رشته دارد.

علاوه بر این‌ها صنیع‌الدوله مترجم رسمی دربار ناصرالدین‌شاه بود و در این کسوت، آثار زیادی را به زبان فارسی منتشر کرد و در دسترس علاقه‌مندان قرار داد. مرور این آثار نشان می‌دهد که وی در فن ترجمه و آسان‌نویسی هم توانایی شایان توجهی داشته است. تصویری که ملاحظه می‌کنید در آلبوم شماره ۱۰۸ از مجموعه آلبوم‌های کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود.

ترابی- تصویری که مشاهده می‌کنید، ۱۷ شهریور سال ۱۲۷۲ (۱۳ سال پیش) در کاخ صاحبزادانیه برداشته شده است. ناصرالدین‌شاه مشغول صرف‌ناهار است. عزیزالسلطان، مشهور به «ملیچک»، در کنار او دیده می‌شود و در سمت چپ تصویر نیز مهدی‌قلی خان مجدالدوله، پسر دای ناصرالدین‌شاه و داماد او، به چشم می‌خورد. همه آدم‌های داخل عکس به سمت دوربین نگاه می‌کنند، مگر مرد فریبی که پشت به تصویر دارد و کاغذ به دست، رویه‌روی میز ناصرالدین‌شاه نشسته است. این شخص فریه، کسی نیست جز محمدحسن خان صنیع‌الدوله، مشهور به اعتماد السلطنه (وزیر انطباعات ناصرالدین‌شاه) که نام او برای اهل تاریخ، به‌ویژه علاقه‌مندان به تاریخ مشهد آشناست. او همان کسی است که کتاب «مطلع الشمس» را به رشته تحریر درآورد، نخستین مرجع جامع تاریخ مشهد و یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ این شهر. صنیع‌الدوله نخستین ایرانی دانش‌آموخته رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پاریس بود.

وی را در مطالعات تاریخی، آغازنگارش و تحقیقات به سبک جدید در این رشته و در ایران می‌دانند. اعتماد السلطنه فرزند چهارم حاجی‌علی‌خان حاجب‌الدوله بود، مردی بدنام که داغ جنایت قتل امیرکبیر را بر پیشانی داشت. اعتماد السلطنه به دلیل تسلط بر زبان‌های فرانسوی و انگلیسی، بعد از بازگشت به ایران، مسئولیت ترجمه و ارائه اخبار روزانه روزنامه‌های اروپایی به شاه را عهده‌دار بود. در این تصویر تاریخی خاص، او مشغول خواندن یکی از این روزنامه‌ها برای ناصرالدین‌شاه است. صنیع‌الدوله را مردی محافظه‌کار دانسته‌اند که تفکرات مترقی داشت، اما در زندگی وی، به جز نکات پوهای علمی‌اش، کمتر می‌توان نقطه درخشانی که حاکی از تفکرات مترقی او باشد پیدا کرد. محمدحسن خان سخت‌ملاحظه‌کار بود و شاید بتوان او را یکی از چاب‌لوس‌ترین رجال دربار ناصری دانست،

کشف تاریخ (۳)